جامعیت روایت اسحاق بن عمار در تبیین مباحث مرتبط به هلال

بحث ما در این مصباح ـ شاید هم متفرد - در کتاب صوم، از مصابیح الاحکام مرحوم بحر العلوم بود. استادشان مرحوم وحید کتاب مصابیح الظلام دارند. مصابیح الظلام برای استاد ایشان است. جناب بحر العلوم - که شاگرد ایشان ـ هستند مصابیح الاحکام دارند. ظاهراً - تا آن جایی که من مراجعه کردم - بیشتر از چهار جلدش چاپ نشده است. نسخه خطی است. آن چه که قبلاً خدمت شما صحبت شد و داشتیم، دو نسخه خطی از کتابخانه مجلس بود. نمیدانم پی دی اف آن را گذاشتند یا نه. علی ای حال دو نسخه خطی آن در کتابخانه مجلس هست. اینکه نسخه‌های خطی دیگر در جاهای دیگر باشد، خوب است ببینیم. ولی آن چه که طبع شده، دو جلدش در نرم‌افزار جامع فقه آمده و چهار جلدش هم ظاهراً در نسخه جدید نرم‌افزار آمده است. ولی باز کتاب الصلاة تمام نشده است. مرحوم سید کتاب الصوم را بعد از زکاة آورده‌اند؛ طبق شرایع. در مثل عروه صوم بعد از صلاة است. اما در شرایع زکاة بعد از صلات است و صوم قبل از حج قرار گرفته است.

مرحوم سید در مصباحی که سال قبل مشغول بودیم، خلاف مشهور قائل شدند. از تعریضی که صاحب جواهر داشتند –ولو محترمانه بود- فهمیدیم که ایشان این مطلب را دارند، هرچند که هنوز این رساله چاپ نشده بود. صاحب جواهر فرمودند از غرائب و عجائب این است که با وجود استقامت طریقت سید بحر العلوم، اما ایشان از مشهور فاصله گرفته‌اند و فتوا داده‌اند که رؤیت قبل از زوال برای دخول شهر کافی است. این حرف صاحب جواهر ما را دنبال حرف سید برد تا ببینیم ایشان چه فرموده‌اند. لذا این مصباح سید را شروع کردیم و به صفحه هفتم رسیدیم.

> **و منها: ما رواه الشيخ رحمه اللّه- في الموثّق- عن إسحاق بن عمّار، عن أبي عبد الله عليه السّلام: ثمّ قال: سألته عن هلال رمضان، يغمّ عليهنا في تسع و عشرين من شعبان؟ فقال: «لا تصم إلّا أن تراه، فإن شهد أهل بلد آخر [أنّهم رأوه] فاقضه، و إذا رأيته وسط النهار فأتمّ صومه إلى الليل»[1].**

«و منها: ما رواه الشيخ رحمه اللّه- في الموثّق- عن إسحاق بن عمّار»؛ که قرار شد صحیح باشد؛ حتی نزد خود مرحوم سید بحر العلوم؛ با آن توضیحاتی که از فوائد الرجالیه ایشان عرض کردم. خُب روایت چیست؟ روایت ناظر به هر چهار بحث جنجالی رؤیت هلال هست.

بحث اول، روایات عدد است. بحث دوم که از نظر تاریخی در قرن یازدهم بیشتر داغ شد، مسأله اجزاء رؤیت هلال قبل از زوال است. بحث سوم، مسأله شرطیت و عدم شرطیت اشتراک آفاق و عدم اشتراک آفاق است؛ رؤیت باید در بلاد قریبه باشد یا اینکه اگر در کل کره رؤیت شود کافی است. بحث چهارم هم مربوط به اجزاء تلسکوپ بود؛ اینکه چشم مسلح کافی هست یا نیست. این روایت اسحاق عمار همه این بحثها را متکفل است.

«سألته عن هلال رمضان، يغمّ علينا في تسع و عشرين من شعبان»؛ در بیست و نهم ماه شعبان هوا ابری می‌شود، چه کار کنیم؟ **«قال: لا تصم إلّا أن تراه»**؛ نهی بود؛ اگر دیدی آن وقت روزه بگیر. مفهوم این روایت، در صریح روایت عدد است. چون آنها می‌گفتند ماه شعبان بیست و نه روز است و خلاص؛ دیگر نمی‌توان گفت ندیدی یا ندیدی. «لاتصم» می‌گویی اگر روایات عدد بود، لازمه اش امر بود. یعنی «صم». چون بیست و نه روز است. اما چون می‌خواهد روایت عدد را نفی کند، نهی «لاتصم» می‌آید؛ روز سیام است، شما روزه نگیر مگر اینکه ببینی. راجع به دیدنش هم صحبت شد.

---

[1] رؤيت هلال، ج۳، ص: ۱۹۷۵

بازبینی #1
ایجاد شده 4 مه 2026 12:58:00 توسط ... .
به روزرسانی شده 4 مه 2026 12:58:58 توسط ... .